

نوشتن شکلی از زندگی است

# الف

الف نشریه داخلی انجمن شاعران و نویسندگان گراش است.  
الف پنجشنبه هر هفته در [gerishna.com](http://gerishna.com) منتشر می شود.  
الف شماره ۷۴۹ همزمان با جلسه ۸۴۹ انجمن منتشر شد.  
این شماره الف ۵ شهریور ۱۳۹۴ در گراش منتشر شده است.  
آثار خود را به ایمیل [gerash@gmail.com](mailto:gerash@gmail.com) برای الف بفرستید.

محمد خواجهپور، رضا شیروان، ابوالحسن محمودی، حسن تقی زاده و حوریه رحمانیان  
اعضای بیست و نهمین دوره گروه دبیران انجمن شاعران و نویسندگان گراش هستند.  
الف نشریه ای مستقل است و آثار منتشر شده تنها دیدگاه نویسندگان است

## آفتاب خراسان

سلام ای صفا بخش ایمان من  
فروزنده‌ی مهر در جان و تن

سراپا نگاهم به دیدار تو  
منم عاشق چشم بیمار تو

خوشا پرگشودن، خوشا زندگی  
در ایوان آینه آیینگی

سلام آفتاب خراسان، سلام  
گل روشنی بخش ایران سلام

حریم تو با هر غریب آشنا  
گرفتار تو. آهوان رها

غریبم، خدا را پناهم بده  
به اشراق آینه راهم بده

تو ای هشتمین راز دلدادگی  
عطا کن مرا روح آزادگی

از این تیرگی‌ها مرا پاک کن  
مرا مثل باران طربناک کن



صادق رحمانی

## هشتمین آفتاب

گویا میان صحن و سرایت نشستهم  
در سایه سار نور ولایت نشستهم

اینجا شمیم ناب حرم سهم سینه‌هاست  
در انتظار عطر حکایت نشستهم

آقای مهربان سفری قسمت‌م نشد  
اما کنار خیل گدایت نشستهم

در آسمان قصه کبوتر نمی‌پرد  
انگار در رواق هدایت نشستهم

برق نگاه حضرتت افتاده در ضریح  
حالا درست محور روایت نشستهم

هر گوشه خادمان حرم ایستاده‌اند  
من گوشه‌ی نجیب شکایت نشستهم

حالا طنین خاطره انگیز «یا رضا» (ع)  
آقا فدات! خاکم و پایت نشستهم

حاجت رواست هر که تو را می‌کند طلب  
با اشک غرق بحر عنایت نشستهم



مصطفی کارگر

## گرمای اشک

در قاب چشمم باز باران می نشیند  
برسنگفرش صحن و ایوان می نشیند

آقا تماشا دارد آن گرمای اشکی  
کز گوشه‌ی چشمی پریشان می نشیند

همراه ذکر نم‌نم فواره‌هایت  
از جان غبار صد بیابان می نشیند

حال وهوای کفتری دارم که از اوج  
لب تشنه بر بام خراسان می نشیند

گلدسته‌هایت سایه‌ی ابری مکرر  
زیر بلندای تو ایران می نشیند

در ازدحام لحظه‌ها دور ضریحت  
دریا درون باد و طوفان می نشیند

من هم گدای آشنایی ازگراشم  
اینجا گدا بر جای مهمان می نشیند



Feb 2011 © All Rights Reserved  
TANHADESIGN.ORG.IR

مصطفی خورشیدی

## نقاره‌ها سلام!

ساعت دوباره هشت دلم می‌تپد عجیب  
مثل کسی که گم شده در غربتی غریب

مثل کسی که دست خودش نیست اختیار  
دلدادگی حواله شدن بود سوی یار

ساعت دوباره هشت صدا می‌رسد ز دور  
از من دوباره ولوله‌ای می‌کند عبور

انگار پلک خواب به هم می‌خورد چنین!  
نقاره‌ها دوباره رقم می‌خورد چنین!!

نقاره‌ها سلام! صداتان مدام باد  
در بارگاه عشق هواتان دوام باد

تا در جوار آینه ماوا گرفته‌اید  
انگار در کنار خدا جا گرفته‌اید

ساعت دوباره هشت تکان می‌خورد دلم  
تنها تو ای امید زمان باش ساحلم

معصومه پهمنی

« Brought roses home. Keys didn't fit.

sixwordstories.net

sixwordstories.net

آبی کمرنگ

رزها را به خانه آوردم. کلیدها به قفل نمی خورد.

از مجموعه داستان های شش کلمه ای / ترجمه: راحله پناذری

مترجم: فرهاد غبرائی

ناشر: نشر ماهی

موضوع:

داستان‌های اسپانیایی

قرن ۲۰ م

تعداد صفحه: ۱۹۲

قطع: جیبی

نوع جلد: شومیز

نخستین سال نشر: ۱۳۸۷

نوبت چاپ: ۴

محل نشر: تهران

شمارگان: ۱۵۰۰

رده دیویی: ۸۶۳/۶۴

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

خانواده‌ی  
پاسکوال دوارته

کامیلو خوسه سلا

نویسنده: کامیلو خوسه سلا

فرهاد غبرائی



گاهی شهرت نویسنده‌ای می‌کشاندت به خرید کتابی، گاهی اعتمادت به مترجم یا ناشری، گاهی طرح روی جلدی، گاهی حتا قیمت مناسبی. در مورد «خانواده‌ی پاسکوال دوارته» اما، من فکر می‌کنم برای کامودوستان هیچ چیز بیش از این که بدانند پشت جلدش نوشته «همسنگ بیگانه» راضی به خرید و کنجاو خواندن‌شان نمی‌کند.

کامیلو خوسه سلا ۱۹۱۶ در اسپانیا متولد شد و ۸۵ سال بعد هم درگذشت. پزشکی خواند و بعد به ادبیات رو آورد و جوایز بنامی هم برد. بنام‌ترینش نوبل ادبیات ۱۹۸۹ بود. رمان‌های مهمی از او یاد می‌کنند: سن کامیلو، خانم کالدول با پسرش سخن می‌گوید، کندو و چندتایی دیگر. در ایران اما، از صدقه سری فرهاد غبرائی و حسن پستا، بابت تنها اثر به فارسی ترجمه‌شده‌اش شناخته شد: خانواده‌ی پاسکوال دوارته؛ دست‌نوشته‌هایی یافت‌شده از یک زندانی محکوم به اعدام که مرتکب قتل چند نفر از جمله مادرش شده است. آسیب‌پذیری انسان در مواجهه با چالش‌ها و بیگانه‌وار زیستن در اجتماع از جمله چیزهایی‌اند که پاسکوال دوارته در دست‌نوشته‌هایش به آن می‌پردازد. راوی خوب بلد است با توصیفات و جزئیاتش ترس به جان‌مان بیندازد و همان آن، ترحم‌مان را نسبت به خودش بیش از قربانیان‌ش - و نفرت‌مان از لذت‌ش را برانگیزد.

سلا جایی در مصاحبه‌ای گفته هدفش از ادبیات، انگشت گذاشتن بر زخم است. این داستان نمکی بر زخم همیشه‌باز بشر اجتماعی شده است؛ ناسازگاری، ترس، احساس گناه، ناتوانی در ارتباط و در انتها توسل به خشونت به مثابه‌ی مرهم.

عارف رسولی‌نژاد

## کشک نیستیم. ما را بنقد.

است. نظرم اینه که گرافی در راستای معنای شعر نیست یا شعر متناسب با گرافی انتخاب نشده یا شاید هم من شعروگرافی شون رو اینطور می‌بینم.»

نصراالله نادرپور: «تقابل هیزم و خاکستر رعایت نشده است. به جاش یه تقابل بین اجاق و خاکستر به وجود آمده است. در صورتی که هیزم است که به خاکستر تبدیل می‌شود و نه اجاق.»

ابوالحسن محمودی از جلسه نقل می‌کند: «درباره شعروگرافی توی جلسه بحث شد که چون تاکید شعر روی مصراع دوم است بایستی خانم کشوری بیشتر روی خاکستر مانور می‌داد و طرح در خدمت شعر نیست. از طرفی پیش از حد ساده است. به این معنا که این شعروگرافی منحصر به فرد نیست و شما اگر این شعر را برداری و شعر دیگری که فقط در آن کلمه هیزم باشد باز هم به آن می‌خورد.»

با کشک ۲ علی‌اکبر شامحمدی گزارش را به پایان می‌رسانیم:

کشکش را ساییده بود و دستان بی‌رمقش که تا اندازه‌ای ورم کرده بود را می‌شست.

هوای شرعی بندر و سکوت خانه کلافه‌اش کرده بود. آرام شیر روشویی را بست و دنبال حوله گشت.

حوله زیر پاهایش لگدمال می‌شد.

کشک‌ها زیر نور آفتاب یک بعد از ظهر گرم، می‌درخشید.»

محمد خواجه‌پور، ابوالحسن محمودی، محمودغفوری، شهرام پورشمسی، سمیه کشوری اعضای کم و بیش حاضر در جلسه ۸۴۸ انجمن بودند.

کار با داستان تویتری آغاز شد. پیش‌نهاد ابوالحسن محمودی برای به راه انداختن داستان تویتری بود. در مورد انواع هشتک‌های ممکن صحبت شد که پیش‌نهاد خواجه‌پور: #دم با اشاره به دم‌داستان بود. البته در صورت وجود هشتک بخشی از حروف مورد نیاز هدر می‌رود.

در داستان ترجمه این هفته می‌شد چندین فضا را حدس زد نزدیک خوانش مردی بود که همسرش او را ترک کرده است و با وجود بی‌نظمی در خانه راضی است. البته در خوانشی دیگر جمله مردم می‌توانند کنایی هم باشد.

در معرفی کتاب خواجه‌پور گفت: فکر می‌کردم آثورا بیش از این باشد. بیشتر رمان‌های رئالیسم جادویی قطور ولی خواندنی هستند.

مسعود غفوری در واتساپ درباره معرفی گفت: معرفی خیلی خوبی بود. ترجمه خیلی خیلی خوبی است. داستان هم که عالی است. نمونه تمام‌عیار رئالیسم جادویی.

بحندر شعروگرافی خانم کشوری این بود که می‌توانست جزییات بیشتری داشته باش. از نظر مضمون نیز به بیت دوم غزل توجه‌ای نشده بود.

با توجه به وقت مکفی در جلسه این هفته از میان کتاب‌های کتابخانه انجمن ابوالحسن محمودی بخش‌هایی از کتاب ویراستاری را خواند. ویراستاری در انتشارات‌های غربی به نوعی نقش سردبیر را نیز دارد و می‌تواند حتی در جهت‌گیری داستان نیز موثر است.

در واتساپ بحث شعروگرافی داغ‌تر بود. خانم رحمانیان نوشت: «کار کردن شعروگرافی سخته و نمی‌دونم این اولین کار سمیه هست یا بازم کار کرده





کنج دایروز تا  
فراموشی

تا فراموشی

مسی تکرار کنی  
شوی